

شمس الوحی بربری

سیره علمی
علامه طباطبائی

آیة الله جوادی آملی

فهرست موضوعات

۱۵	پیشگفتار
	بخش یکم: علامه و قرآن کریم
۴۵	فصل یکم: حیات قرآنی علامه (سیره علمی و عملی)
۴۵	تفسیر انسان، پیش از تفسیر قرآن
۴۷	دفع شبهات با تمسک به وحی
۴۹	نگاه مهیمنانه به قرآن کریم
۵۴	خلافت الهی و تفسیر قول حق
۵۷	با اهل بیت عصمت علیهم السلام در تفسیر قرآن
۶۲	ادب عبودی در ساحت قرآن کریم
۶۵	اخلاص و جوشش تفسیر وحی
۶۸	حیات جاودان با کوثر وحی
۷۲	فصل دوم: تفسیر و علوم قرآنی
۷۴	۱. مهارت‌های تفسیری علامه
۷۴	أ. آگاهی از ظواهر
۷۴	ب. آشنایی با محک‌ها و متشابهات
۷۵	ج. تشخیص مفهوم از مصداق
۷۶	د. راهیابی به باطن از مسیر ظاهر
۷۷	هـ. تفسیر آیه با آیات دیگر
۷۷	و. بهره‌گیری از علوم دیگر در تفسیر
۸۰	۲. رتبه تفسیری علامه
۸۸	برترین تفسیر

فهرست موضوعات

۸۹	تفسیر علامه طباطبائی رحمته الله علیه
۹۰	آیات انفسی و تعلیم الهی
۹۱	انسانیت و تعلیم الهی
۹۲	بیان نتیجه انسانیت
۹۴	آمادگی برای تعلیم الهی
۹۶	۳. تفسیر قرآن به قرآن
۹۷	رویکرد دیگر مفسران
۹۹	رویکرد علامه
۱۰۱	تمایز «تفسیر قرآن به قرآن» با «ضرب قرآن به قرآن»
۱۰۴	روش توحیدی
۱۰۵	مسیرهای توحید
۱۰۶	بازگشت همه امور به توحید
۱۱۱	آیات توحیدی
۱۱۳	برخی آیات توحیدی
۱۲۵	جایگاه اهل بیت علیهم السلام و روایات
۱۳۱	صفای قرآن و مروه اهل بیت علیهم السلام
۱۳۳	۴. تفسیر و تأویل
۱۳۵	ظاهر و باطن کلمات تدوینی و تکوینی
۱۳۷	چند مثال
۱۳۹	ظاهر و باطن قرآن کریم
۱۴۰	نقش تفسیر
۱۴۳	تأویل
۱۴۴	بیان استاد علامه رحمته الله علیه
۱۴۵	حفظ حریم ظاهر در تأویل
۱۵۰	سنجش تأویل با ام الكتاب
۱۵۴	۵. تفسیر المیزان
۱۵۵	فراتر از مرزها
۱۵۶	شناخت آیندگان
۱۵۸	محصول فیض قدسی

بخش دوم: علامه و علوم عقلی

۱۶۵	فصل یکم: ویژگیهای فکری
۱۶۵	۱. اتقان مبانی در استدلال
۱۶۸	۲. استفاده مطلوب از افکار دیگران
۱۶۸	سعه فکر
۱۷۲	حفظ معیارها
۱۷۴	عرضه بر قرآن
۱۷۵	۳. روشمندی
۱۷۵	أ. روش تعقل
۱۷۹	ب. روش تحلیل
۱۸۱	ج. روش تدوین و تدریس
۱۸۴	فصل دوم: مشی فلسفی
۱۸۴	جمع عرفان و برهان در خدمت قرآن
۱۸۶	جمع روش صدرالمتألهین و بوعلی
۱۸۷	فصل سوم: ابتکارات عقلی و فلسفی
۱۸۸	۱. معرفت شناسی
۱۸۹	۲. قاعده بسیط الحقیقه
۱۹۲	۳. بیانی در برهان صدیقین
۱۹۴	۴. سلب حد از خدای متعالی
۱۹۶	۵. توحید ربوبی
۱۹۸	۶. برهان لمّ در مسائل فلسفی
۲۰۰	۷. فاعل بالجبر و فاعل بالقصد
۲۰۱	۸. اراده و علم
۲۰۲	۹. اراده و قدرت ذاتی حق
۲۰۴	۱۰. نقدی بر مُثُل افلاطونی
۲۰۵	۱۱. تدقیق در حرکت جوهری
۲۱۰	۱۲. تأمل در مقوله «این»
۲۱۰	۱۳. نظریه استخدام



فهرست موضوعات

۲۱۱	تفرّع حکمت عملی بر حکمت نظری
۲۱۲	قوانین توحیدی و قوانین شرك آلود
۲۱۴	حاکمیت طبیعت و قوانین شرك آلود
۲۱۵	حاکمیت عقل و تمدن و قوانین توحیدی
۲۱۷	فصل چهارم: تلاشهای علمی
۲۱۷	۱. آثار مکتوب
۲۱۷	أ. «بداية الحکمه» و «نهاية الحکمه»
۲۱۷	ب. «اصول فلسفه و روش رئالیسم»
۲۱۸	ج. «شیعه در اسلام» و «قرآن در اسلام»
۲۱۸	د. مقاله «مرجعیت و روحانیت»
۲۲۰	هـ. مقاله «حقوق زن در اسلام»
۲۲۱	و. رساله‌ها
۲۲۲	۲. درسها
۲۲۳	أ. تدریس اسفار
۲۲۴	ب. تدریس الهیات شفا

بخش سوم: علامه و عرفان

۲۲۷	فصل یکم: حیات عرفانی و اخلاقی علامه
۲۲۷	۱. عرش و اشک علامه
۲۲۹	۲. عمل به علوم
۲۳۱	۳. تقوای الهی
۲۳۳	۴. اخلاق قرآنی
۲۳۵	۵. زهد
۲۳۸	۶. شکیبایی و صبر
۲۳۹	۷. شرح صدر در مناظرات علمی
۲۴۱	۸. تواضع
۲۴۳	فصل دوم: عرفان نظری



۲۴۳	۱. موضوع
۲۴۹	۲. مسائل
۲۵۸	أ. توحید چیست (وحدت و کثرت عالم)
۲۶۴	ب. موحد کیست
۲۶۶	فصل سوم: عرفان عملی
۲۷۱	مسیر توحید
۲۷۲	گذر از اعتباریات
۲۷۶	راهیابی به باطن
۲۷۶	درجات عوالم هستی
۲۷۸	درجات راه یافتگان
۲۸۰	رسیدن به ولایت الهی
۲۸۱	شناخت نفس
۲۸۳	فناى الهی
۲۸۷	عبادت حقی
۲۸۹	ولایت و توکل
۲۹۰	نیل به لقای حق
۲۹۱	لقای مقربان و محسنان
۲۹۲	محرومان از لقای الهی
۲۹۴	شناخت حق، نتیجه لقای الهی
۲۹۶	راهگشایی مفاهیم در وصول به لقای حق
۲۹۷	علامه، ولیّ خدا
۲۹۹	سالک مجذوب
۳۰۱	عارف بی شطح
۳۰۴	دو خاطره از علامه
۳۰۷	چگونگی تدوین بدایه و نهایه
۳۱۱	مکاتبات مربوط به بدایة الحکمه
۳۲۹	مکاتبات مربوط به نهایة الحکمه
۳۳۸	تصویر مکاتبات درباره تدوین بدایه و نهایه

فهرستها

۳۷۱		فهرست آیات
۳۸۵		فهرست روایات
۳۹۱		فهرست اشعار
۳۹۵		فهرست اعلام
۳۹۹		فهرست کُتُب
۴۰۳		فهرست منابع



سخن‌ناش

سیره قرآنی، برهانی و عرفانی علامه طباطبایی قدس سره

اگر کلام الهی و کتاب ربوبی نبود، هیچ حقیقتی معلوم و جان‌مایه هیچ موجودی آشکار نمی‌شد؛ گرچه ظاهر پدیده‌ها در دسترس حس و سطح آنها قابل لمس باشد. انسان از جمله پدیده‌های شگفت و غیر قابل شناخت و باوری است که تنها در سخن پروردگار قابل تحلیل و ارائه است؛ اعجوبه‌ای که فرشتگان آسمان، پرسشی غریب را هم در خلقت و هم نسبت به راز آفرینش او، در ساحت الهی مطرح کردند: ﴿قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾^۱ و پاسخ الهی، نشان عظمت وجودی انسان و قابل دسترس نبودن حقیقت اوست: ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲.

تنها تعریف و توصیفی که می‌تواند، نمایانگر حقیقت انسانی باشد، همانا خلافت الهی است: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۳؛ گرچه امکان کژراهه رفتن و اعوجاج در اندیشه و عمل، انسان را به هبوط و دوری از مقام خلافت الهی می‌کشاند: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾^۴.

۱ و ۲ و ۳. سوره بقره، آیه ۳۰.

۴. سوره تین، آیات ۴-۵.

فرزانگان و ستارگان درخشان سپهر انسانیت، تنها با معیارهای الهی و ضوابط و حیانه شناسایی و ارائه می‌شوند؛ وگرنه هیچ ملاک زمینی و شاخصه زمانی نمی‌تواند، نمایانگر سروقامتی و بلندای وجودی آنان باشد. وسعت وجودی و ژرفای حقیقت آنها، با هیچ میزان اندازه‌گیری به دست نمی‌آید. نوابغ را با ویژگیهای اولیا و خصائص اولیا را با اوصاف الهی سنجش می‌کنند؛ گرچه اولیای الهی به قیاس در نمی‌آیند (لایقاس بنا احد - لایقاس بهم احد) و ذات الهی و اوصاف ذاتی خداوند نیز برتر از هر نوع مقایسه و نسبت است: «و حارت الانبیاء و العقول فیه».^۱

با این حال، شناخت شخصیتها و نوابغ انسانی، بسیار سخت و دشوار است؛ افرادی که نقطه عطف تاریخ و جغرافیای اندیشه و فکرنند، و گذشته را با آینده پیوند می‌دهند و آسمان و زمین وحی الهی و فکر بشری را به هم می‌دوزند، استوانه‌های انسانیت، افتخار عالم وجود و سرّ ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ هستند.

کتاب حاضر، مجموعه بیانات و بنانات حضرت استاد آیت الله جوادی آملی درباره استاد و مرادشان علامه طباطبایی رحمته الله است. ایشان خود در این زمینه فرموده‌اند: «ما عشق و ارادت خود را به علامه طباطبایی رحمته الله در این کتاب اظهار کردیم». بدیهی است، عشقی که از برهان آغاز و به عرفان رهسپار و به قرآن منتهی شود، چقدر شیرین و جذاب است. بی‌شک یکی از بهترین مصادیق ارادت و عشق را باید در رابطه و نسبت میان استاد و شاگرد جست‌وجو کرد، تا عمق این نسبت درک نشود، راز آن ارادت و عشق هویدا نخواهد گشت.

آنچه در علامه طباطبایی وجود داشت، جامعیت او در علم و معرفت، و ایمان و عمل صالح او بود. علم عمیق برهانی و معرفت دقیق شهودی و عرفانی او از

يك سو، اخلاق و شایستگی‌های کرداری و رفتاری از سوی دیگر، او را مستعد و آماده ساخته بود تا از نور قرآنی الهام گیرد و چنین انفجاری از علم و کمالات، از او ایجاد شود. ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ﴾.^۱ مجموعه جهات یاد شده که سیره علمی و عملی آن نادره دوران را تشکیل و شخصیت حقیقی و ارکان وجودی او را شکل می‌دهد، از او تندیس فرزangi و مجسمه علم و اخلاق ساخت و آنچه از تراوشات بیانی و بنانی علامه طباطبایی است، نشان‌گر آن دریای وجودی است. او شخصیت جامعی بود که ظرف بلورین فلسفه، عرفان و تفسیر را از مظلوف دینی پر ساخت و با بال عقل و نقل منتشر کرد. این همه موجب گردید که شخصیت کم‌نظیری همانند آیت الله جوادی آملی را این‌گونه شیفته و واله استادش کرده که پروانه‌وار به گرد شمع استادش طواف می‌کند؛ پروانه‌ای که سوختنش ساختن و بال زدنش اشاعه نور و فرهنگ ولایت و قرآن است.

آنچه در این کتاب آمده، گرچه ناظر به بخشهای مختلف و ابعاد گوناگون وجودی آن استاد بزرگ و بزرگوار است؛ لیکن رویکرد عمده و اساسی آن مباحث تفسیری و شرح وحی الهی است و با الهام از عنوان «شمس الحق تبریزی»، از طرف شخص استاد (دام ظلّه) «شمس الوحی تبریزی» نام گرفته است:

«اگر دیروز از این سرزمین شمس الحق تبریزی برخاست و شایسته چنان شعری شد:

شمس الحق تبریزی آنجا که تو پیروزی از تابش خورشیدت هرگز خطر دئی نی

امروز از آن دیار شمس الوحی قیام نمود که تفسیرش فروغ قرن شد که درخور

چنین شعر است:

ای بود تو از گئی نی، وی مُلک تو تا گئی نی

عشق تو و جان من جز آتش و جزئی نی

از ابجد اندیشه یارب تو بشو لَوحَم

در مکتب مشتاقان خود ابجد حُطّی نی^۱

این کتاب در سه بخش علامه و قرآن کریم، علامه و علوم عقلی، و علامه و عرفان شکل یافته که هر یک از بخشهای مذکور دارای فصول متعددی است که عهده‌دار تبیین زوایای وجودی آن رحیل و آن قدوه کم بدیل است.

سعی و تلاش دوست فاضل جناب حجة الاسلام موفق را در تنظیم این مجموعه ارج می‌نهم. از حجج اسلام آقایان اسلامی، میرزایی و شفیعی که در ویرایش این اثر سعی وافر داشته‌اند، سپاسگزاریم و همه این توفیقات را از ولیّ توفیق، خداوند عالم، به برکت وجودی حضرت بقیة الله اعظم می‌دانیم و علو درجات امام خمینی بنیانگذار دوره شکوفایی اسلام و شهدای والامقام را از درگاه ربوبی مسئلت داریم.

مرکز نشر اسراء

۱. سروش هدایت، ج ۲، ص ۲۶۸ (پیام به مناسبت گرامی داشت یکصدمین سال تولد علامه طباطبایی رحمه الله).